

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه شصت و سوم 95/12/03

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الی يوم لقاء الله

بحث ما در روایات جعلی بود که گفتند: حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در آخر عمر، از خلیفه اول اهل سنت راضی شد.

نکته اول: ما گفتیم: این روایت عمدتاً از «شعبی» است و «شعبی» هم فردی منحرف از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است، او امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را سب کرده است و نسبت به آن بزرگوار عبارتهای رکیک بیان کرده است.

او در مورد حضور صحابه در جنگ جمل ادعای گزافی دارد، بغض شدیدی با شیعه دارد، همچنین همکاری سیاسی و قضایی با بنی امیه دارد و همچنین محدث دربار «عبدالملک» است. وقتی چنین فردی بیاید و این روایت رضایت را نقل کند با روایات دیگر این آقایان که از عایشه نقل کرده اند سازگاری ندارد.

عایشه ای که می گویند پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد او فرموده است:

«خذوا شطر دینکم عن الحمیراء»

و یا فرموده باشد:

«خذوا ثلثی دینکم عن الحمیراء»

دو سوم دینتان را از عایشه بگیرید.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين

السيد محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ۳، ص ۱۵۵، ح ۲۴

بنابراین این روایت «شعبی» با مبنای آقایان به هیچ وجه سازگار نیست، علاوه بر آنکه این روایت مرسل هست و روایتی هم از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و دیگر صحابه ندارد که در کنار آن‌ها قرار بگیرد.

نکته دوم اینکه شما می‌خواهید یک چنین روایتی را با روایت قطعی که در کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» دارید، مقایسه کنید.

بارها «ابن تیمیه» در کتاب «منهاج السنة النبویة» سخنان «علامه حلی» را رد می‌کند و می‌گوید: "اگر این روایت صحیح بود «بخاری» و «مسلم» در کتب «صحیح» خود این روایت را نقل می‌کردند." می‌گوید: وقتی «بخاری» و «مسلم» این حرف را نقل نکردند، معلوم می‌شود که این روایت از درجه اعتبار ساقط است.

به عنوان مثال می‌گوید حدیث: «انا مدينة العلم وعلی بابها» به دلیل اینکه در کتاب «بخاری» نیامده است، فاقد ارزش است. حدیث غدیر به دلیل اینکه در کتاب «بخاری» و «مسلم» نیامده است و آن‌ها نقل نکردند، فاقد ارزش است!!

چطور شد که رضایت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از خلیفه اول در کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» نیامده، بلکه برعکس آمده است. ولی شما بر خلاف بخاری عمل می‌کنید؟! به صراحت دارد که:

«فَوَجَدْتُ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ فَهَجَرْتُهُ فَلَمْ تُكَلِّمُهُ حَتَّى تُؤْفَيْتُ»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار

ابن کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۴، ص

۱۵۴۹، ح ۳۹۹۸

و همچنین در روایت دیگری وارد شده است:

«فَعَصِبْتُ فَاطِمَةَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ فَهَجَرْتُ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُوفِّيَتْ»

حضرت فاطمه دختر رسول الله غضبناک شد و با ابوبکر قهر کرد و قهر او تا آخر عمر ادامه داشت.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٣، ص ١١٢٦،

ح ٢٩٢٦

این مطالب کاملاً واضح و روشن است.

نکته سوم بحث نفرین حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نسبت به خلیفه اول است. آقای «ابن قتیبه

دینوری» متوفای ۲۷۶ هجری روایتی بیان کرده است که می‌گوید:

«فقال عمر لابی بکر، رضی الله عنهما، انطلق بنا إلى فاطمة، فإننا قد أغضبناها»

عمر به ابوبکر گفت: بیا نزد فاطمه برویم، زیرا ما او را به غضب آوردیم.

«فانطلقا جميعاً، فاستأذنا على فاطمة فلم تأذن لهما»

آن‌ها نزد حضرت زهرا (سلام الله علیها) رفتند، اما حضرت به آن‌ها اجازه ورود نداد.

«فأتيا عليا فكلماه، فأدخلهما عليهما»

آن‌ها رفتند و بار دیگر با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) آمدند.

«فلما قعدا عندها، حولت وجهها إلى الحائط»

وقتی که وارد خانه شدند، حضرت فاطمه زهرا صورت خود را به طرف دیوار برگرداند.

«فسلما عليها، فلم ترد عليهما السلام»

آن‌ها سلام گفتند، اما حضرت زهرا جواب سلام آن‌ها را نداد.

سلام مستحب است، اما جواب سلام واجب است. چرا حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) جواب سلام آن‌ها را نداد؟!

«فتكلم أبو بكر فقال: يا حبيبة رسول الله والله إن قرابة رسول الله أحب إلي من قرابتي»

سپس ابوبکر شروع به سخن کرد و گفت: ای حبیبه رسول الله! به خدا سوگند که خویشاوندی رسول الله از خویشاوندی خودم محبوب‌تر است.

«وإنك لاحب إلي من عائشة ابنتي»

ابوبکر به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) عرض کرد: تو در نزد من محبوب‌تر از عایشه هستی!!

اگر واقعاً چنین است وقتی که حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) فدک را که پدرش به عنوان هدیه به او بخشیده بود، از ابوبکر مطالبه کرد، باید به خاطر محبتی که به حضرت زهرا (سلام الله علیها) داشت فدک را به ایشان می‌داد و آن بزرگوار را به غضب نمی‌آورد.

«ولوددت يوم مات أبوك أني مت، ولا أبقى بعده»

ای کاش روزی که پیغمبر اکرم از دنیا رفت، من هم مرده بودم.

«أفتراي أعرفك وأعرف فضلك وشرفك وأمنعك حقك وميراثك من رسول الله»

آیا تصور می‌کنی که من با اینکه حق و شأن شما را می‌شناسم، از حق و میراث تو از پیغمبر اکرم ممانعت می‌کنم؟

«إلا أنى سمعت أباك رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: لا نورث، ما تركنا فهو صدقة»

من خودم شنیدم که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ما پیامبران از خود ارثی به جای نمی‌گذاریم، مگر صدقه!

الإمامة والسياسة، ابن قتيبة الدينوري، تحقيق الزيني، ج ١، ص ٢٣، ح [٢٠]

ما جواب این روایت ادعایی ابوبکر را هم قبلاً خدمت عزیزان عرض کردیم. حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در همان مجلسی که برای سخنرانی آمدند، جواب ابوبکر را به طور مفصل بیان کردند. حضرت زهرا (سلام الله علیها) به ابوبکر فرمودند: جمله‌ای که تو می‌گویی کاملاً مخالف با قرآن کریم است. قرآن کریم در مورد حضرت سلیمان می‌فرماید:

(و وَرَثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ)

و سلیمان وارث داوود شد.

سوره نمل (٢٧): آیه ١٦

همچنین در رابطه با حضرت زکریا می‌فرماید:

(قَهَبَ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ)

مرا از نزد خود فرزندی عطا کن تا از من و از خاندان یعقوب ارث ببرد.

سوره مریم (١٩): آیه ٥ و ٦

پرسش:

در اینجا استفاده دیگری هم می‌شود و آن این است که حضرت زهرا (سلام الله علیها) به ابوبکر فرموده باشند: عمر عبارت «حسبنا کتاب الله» آورده است، اما چرا تو به حدیث تمسک می‌کنی؟!

پاسخ:

خود ایشان گفت که کسی حق ندارد از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت نقل کند. البته این هم نکته‌ای است؛ او تمام احادیث را نقل کرد و در نهایت گفت:

«حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٤، ص ١٦١٢، ح ٤١٦٩

چطور شد که در اینجا به حدیث استدلال کرده است؟!

همچنین ماجرای مناظره حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) با خلفا که اولین کسی از علمای اهل سنت که آن را نقل کرد، «ابن ابی طیفور» متوفای ۲۸۰ هجری است که معاصر «ابن قتیبه دینوری» هم است.

او در اینجا به صراحت می‌گوید:

«أَفْعَلَى عَمَدِ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَنَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظَهْرِكُمْ إِذْ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَوَرِثَ سَلِيمَانَ دَاوُدَ وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيمَا قَصَّ مِنْ خَبَرِ يَحْيَى زَكَرِيَّا رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَيُرِثْ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»

این نشانگر این است که پیامبران از پدران خود ارث می‌بردند. حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به صراحت می‌فرماید: اینکه نقل می‌کنید پیامبران از همدیگر ارث نمی‌برند، خلاف قرآن کریم است.

به علاوه ما اطلاقاتی در قرآن کریم داریم که می‌فرماید:

وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

و در کتاب خدا خویشاوندان (در ارث بردن از یکدیگر) بعضی اولی و نزدیک‌ترند به بعضی دیگر که خدا به هر چیز داناست.

سوره انفال (۸): آیه ۷۵

:۹

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَّاتِ

حکم خدا در حق فرزندان شما این است که پسران دو برابر دختران ارث برند.

سوره نساء (۴): آیه ۱۱

بحث ارث برای عموم مردم که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هم جزو آنها است، مطرح است. (يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ) به معنای وصیت خدا به جمیع خلائق حتی انبیاء هم می‌باشد.

إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأَوْلَادِ الْبَرِّ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ

وقتی مرگتان نزدیک می‌شود و مالی از شما می‌ماند برای پدران و مادران و خویشاوندان وصیتی به نیکی کنید این حقی است بر پرهیزکاران.

سوره بقره (۲): آیه ۱۸۰

حضرت زهرا(سلام الله علیها) فرمود:

«وزعمتم أن لا حق ولا وارث لی من أبی»

تصور می‌کنید که من حق و ارثی از پدرم ندارم؟

«ولا رحم بیننا»

آیا تصور می‌کنید که من دختر پیغمبر اکرم نیستم؟

«أفخصم الله بأية أخرج نبيه صلى الله عليه منها»

آیا تصور می‌کنید که پیغمبر اکرم از آیات عمومی استثناء است؟!

آیا تصور می‌کنید که همه مردم می‌توانند ارث بگذارند، اما تنها پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نمی‌تواند ارث بگذارد؟!

«أم تقولون أهل ملتین لا يتوارثون»

مشاهده کنید که حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) چقدر محکم استدلال می‌کند!! هرکدام از این عبارات نیاز به ساعت‌ها بحث و بررسی دارد.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به صراحت می‌فرمایند: آیا آیه‌ای در قرآن کریم وجود دارد که پیغمبر اکرم از آن استثناء شده باشد؟! آیا تصور می‌کنید که ما اهل دو ملت هستیم؟! آیا تصور می‌کنید که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مسلمان است و من کافر هستم؟! چون که کافر از مسلمان ارث نمی‌برد!!

بعد فرمود:

«أولست أنا وأبی من أهل ملة واحدة لعلکم أعلم بخصوص القرآن وعمومه من النبي صلى الله عليه و

آله»

آیا شما می‌گویید که پیغمبر اکرم آگاه به قرآن نبود؟ در قرآن رسول الله استثناء شده بود اما پیغمبر اکرم خبر نداشتند؟!

آیا شما خبر دارید که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از این آیات قرآن که درباره تمام انبیاء هست استثناء شده بود، اما خودش به این استثناء آگاه نبود!؟

«أفحکم الجاهلیة تبغون»

آیا می‌خواهید احکام جاهلیت را دومرتبه پیاده کنید؟

در جاهلیت اگر مردی از دنیا می‌رفت، تنها اولاد ذکور او از او ارث می‌بردند و فرزندان اناث از او ارث نمی‌بردند.

«ومن أحسن من الله حکماً لقوم یوقنون»

سپس می‌فرمایند:

«أأغلب علی إرثی جوراً وظلماً وسیعلم الذین ظلموا آی منقلب ینقلبون»

بلاغات النساء، اسم المؤلف: أبو الفضل أحمد بن أبی طاهر ابن طیفور (المتوفی: ۲۸۰ هـ)، ج ۱، ص ۷ و

۸، باب کلام فاطمة بنت رسول الله

آقای «عمر رضا کحاله» که از علمای پرآوازه اهل سنت است، در کتاب «أعلام النساء» جلد چهارم در این رابطه تعبیری می‌آورد و می‌گوید:

«أأنتم الآن تزعمون ان لا ارث لنا افحکم الجاهلیة تبغون افی الکتاب ان ترث اباک و لا ارث ابی»

سپس می‌فرمایند:

«لقد جئت شیئاً فریا فدونکها مخطومة مرحولة تلاقک یوم حشرک فنعم الحکم الله»

این فدک هم پیشکش شما باشد، اما ابوبکر بدان که فردا نزد خداوند خواهی آمد و آنجا دیگر حاکم خداوند عالم است.

«الزعيم محمد والموعد القيامة»

وكيل مدافع من پیغمبر اکرم است و محل تشکیل دادگاه در قیامت است.

«وعند الساعة يخسر المبطلون ولكل نبأ مستقر وسوف تعلمون»

ببینید که این تعبیر، تعبیر بسیار سنگینی است. حال اگر ما این مطالب را از کتب شیعه بیان کنیم، می‌گویید: این مطالب تنها در کتب شیعه بیان شده است و یا در قرن سوم و چهارم این مطالب را به کتب شیعه اضافه کردند!!

همچنین آقای «ابن اثیر» صاحب «الجامع فی الأصول» در کتاب «منال الطالب» همین تعبیر را می‌آورد. و یا آقای «ابن حمدون» متوفای ۵۶۱ همین تعبیر را می‌آورد و می‌گوید:

«فدونكها مخطومةً مرحولةً تلقاك يوم حشرک، فنعم الحكم الله، والزعيم محمد والموعد القيامة، وعند

الله يحشر المبطلون»

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در ادامه می‌فرمایند:

«إيها بنی قیلة، أأهتضم تراث أبیه وأنتم بمرأی منی ومسمع»

ای قبیله اوس و خزرج دارید می‌بینید که جلوی چشم شما حق من را به یغما می‌برند، اما هیچ حرکتی از خودتان نشان نمی‌دهید.

التذكرة الحمدونية، المؤلف: محمد بن الحسن بن محمد بن علی بن حمدون، أبو المعالی، بهاء الدین البغدادی (المتوفی: ۵۶۲ هـ)، الناشر: دار صادر، بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ ج ۶، ص ۲۵۷، الباب

الثلاثون فی الخطب

این تعابیر، خیلی تعابیر تندى است. بنده این تعبیر را قبل از «مرحوم طبرسى» در قرن ششم از کتب دیگر شیعه به این صورت نیافتم، اما علمای اهل سنت در قرن سوم و چهارم این روایت را نقل کردند!

بنده تنها جایی که این روایت را به طور مفصل دیدم، در کتاب «الإحتجاج» اثر «مرحوم طبرسى» بود. در این کتاب استدلال حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به آیات قرآن کریم مطرح شده است.

پرسش:

آیا عایشه که نگذاشت امام حسن (علیه السلام) را در منزل پیغمبر به خاک بسپارند؛ خود را وارث پیغمبر می دانست که اجازه نداد؟!

پاسخ:

او ادعا می کرد که اینجا ملک شخصی من است. حال ما نمی دانیم ادعای ابوبکر مبنی بر «لا نورث، ما ترکنا فهو صدقة» در اینجا صدق می کند یا نه!!

ما هیچ دلیلی نداریم که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) این خانه ها را بخشیده باشند و «ابن حجر» هم می گوید: این منازل، ملک رسول گرامی اسلام بوده است و زنان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تنها حق سکنی داشتند.

همچنین خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ)

ای کسانی که ایمان آورده اید! در بیوت پیامبر داخل نشوید مگر به شما اجازه داده شود.

سوره احزاب (۳۳): آیه ۵۳

از این آیه استفاده می‌شود که این منازل، منازل رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است؛ نه منازل همسران پیغمبر اکرم.

در هر صورت حضرت صدیقه طاهره در این مناظره فرمودند: شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا نشنیدید که پیغمبر اکرم فرمودند رضایت فاطمه رضایت من و خشم فاطمه خشم من است؟! گفتند: بله.

حضرت فرمودند:

«فإني أشهد الله وملائكته أنكما أسخطتماني وما أَرْضِيتماني»

خدا را شاهد می‌گیرم که شما من را به غضب آوردید و رضایت من را به دست نیاوردید.

«ولئن لقيت النبي لاشكونكما إليه»

هنگامی که خدمت نبی گرامی اسلام بروم، از شما شکایت خواهم کرد.

در این هنگام ابوبکر شروع به گریه کرد تا جایی که نزدیک بود بر زمین بیفتد و بیهوش شود. سپس حضرت به ابوبکر فرمودند:

«والله لادعون الله عليك في كل صلاة أصليها»

به خدا سوگند بعد از هر نماز بر تو نفرین می‌کنم.

الامامة والسياسة، ابن قتيبة الدينوري، تحقيق الزيني، ج ١، ص ٢٤، باب [٢٠]

مشاهده کنید که این روایت مربوط به اواخر عمر حضرت زهرا (سلام الله علیها) هست و نتیجه آمدن این افراد نزد آن بزرگوار این سخن حضرت شده است!!

پرسش:

عبارت «وما أرضیتمانی» یعنی امری و کاری است که با آن بتوانند حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را راضی کنند؟!

پاسخ:

خلفا باید حق حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را می‌دادند و رضایت آن بزرگوار را جلب می‌کردند.

یعنی باید فدک را برمی‌گرداندند. یکی از اشکالات ما هم به این حدیث این است. اگر کسی مال شخص دیگری را به زور گرفته است و برای گرفتن رضایت نزد او رفته است. شرط رضایت گرفتن این است که مال غصبی را به او برگرداند.

در این زمینه داستانی وجود دارد که می‌گویند: شخصی به کار دزدی مشغول بود که ناگهان پدرش به حالت احتضار افتاد. پدر به او گفت: تو که مال حلال نداری، حداقل یک کفن حلال بیاور و من را با آن کفن حلال دفن کن.

پسر به دنبال کفن رفت و مشاهده کرد طلبه‌ای که عمامه‌ای به سر داشت از دور می‌آمد. پسر با خود گفت که این عمامه حلال‌ترین مال است، به همین خاطر به طلبه گفت: عمامه خود را به من بده تا پدرم را در آن کفن کنم، اما طلبه از دادن عمامه خودداری کرد.

در نتیجه پسر عمامه آن طلبه را به زور گرفت، اما با خود اندیشید که من این عمامه را به زور گرفتم و او راضی نشد. پسر برگشت و شروع کرد شخص طلبه را زیر باد کتک گرفت و از او پرسید: راضی هستی یا نه؟! او هم از ترس جانش داد می‌زد: حلال، حلال!!

پسر به نزد پدر خود بازگشت و گفت: کفن حلال برایم آوردم. پدر از او پرسید: حلال است؟! او گفت: به قدری حلال حلال می‌گفت که تا یک کیلومتر آنطرف‌تر هم صدای حلال حلال او را می‌شنیدم!!

این‌طور نمی‌شود که خلیفه اول بخواهد از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) رضایت بگیرد و به ایشان بگوید: یا رضایت بده و یا بازهم خانه‌ات را آتش می‌زنیم!!

اگر خلیفه اول قصد رضایت گرفتن دارد، چرا حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) غضبناک شده است؟! آیا بی‌خود و بی‌جهت غضبناک شده است یا علتی دارد؟! آیا حق حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را به ایشان برگرداندند یا نه؟!

روایت اول از «دینوری» وارد شده است، اما عده‌ای از آقایان اهل سنت نسبت به روایات «دینوری» بی‌اعتماد هستند.

روایت دوم از «بلاذری» وارد شده است که او هم متوفای ۲۷۹ هجری است که سه سال بعد از «دینوری» از دنیا رفته است. ایشان هم در این روایت می‌گوید:

«وَاللَّهِ لَأَدْعُوَنَّ اللَّهَ عَلَيْكَ»

جمل من أنساب الأشراف، المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر بن داود البلاذري (المتوفى: ۲۷۹ هـ)،
تحقيق: سهيل زكار ورياض الزركلي، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م، ج ۱۰،
ص ۷۹، باب وفاة أبي بكر

همچنین آقای «جوهری» هم که متوفای ۳۲۳ هجری است، همین تعبیر را دارد و می‌گوید:

«والله لأدعون الله عليك»

به خدا سوگند بر تو نفرین می‌کنم.

السَّقِيفَةُ وَفَدَاكَ، لأبي بكر أحمد بن عبدالعزيز الجوهري البصري البغدادي، المتوفى - ٣٢٣ هـ اصدار
مكتبة نينوى الحديثة، طهران ناصر خسرو - مروى ... تقديم وجمع وتحقيق الدكتور محمد هادي
الأميني، ج ٨، ص ٦، ح ١٥٢

بنابراین سه نفر از علمای بزرگ اهل سنت از جمله «ابن قتیبه دینوری»، «بلاذری» و «جوهری» با سندهای
مختلف نفرین حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را نقل کرده‌اند.

زمانی که روایت به سه قول رسید، «سبکی» می‌گوید:

«تزیید علی الاثنین والثلاثة والأربع»

حدیث مستفیض حدیثی است که دو طریق یا بیشتر داشته باشد.

رفع الحاجب عن مختصر ابن الحاجب، اسم المؤلف: تاج الدین أبی النصر عبد الوهاب بن علی بن عبد
الکافی السبکی، دار النشر: عالم الکتب - لبنان / بیروت - ١٩٩٩ م - ١٤١٩ هـ الطبعة: الأولى، تحقیق: علی
محمد معوض، عادل أحمد عبد الموجود، ج ٢، ص ٣٠٨

همچنین آقای «جزائری دمشقی» می‌گوید:

«اقل ما ثبت به الاستفاضة الإثنان»

استفاضه با دو طریق هم ثابت می‌شود.

توجيه النظر إلي أصول الأثر؛ الجزائري الدمشقي، طاهر بن صالح بن أحمد (متوفى: ١٣٣٨هـ)، ج ١،
ص ١١٢، تحقیق: عبد الفتاح ابوغدة، ناشر: مكتبة المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة: الأولى، ١٤١٦هـ -

١٩٩٥م

همچنین آقای «شوکانی» می‌گوید:

« والقسم الثاني المستفيض وهو ما رواه ثلاثة فصاعدا»

قسم دوم: روایت مستفیض آن است که سه تن و بیشتر آن را روایت کرده باشند.

الشوکانی، محمد بن علی بن محمد (متوفای ۱۲۵۵هـ)، إرشاد الفحول إلی تحقیق علم الأصول، ج ۱، ص ۹۴، تحقیق: محمد سعید البدری ابومصعب، ناشر: دار الفکر - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۲هـ - ۱۹۹۲م

آقای «حسن عطار» می گوید:

«وأقله من حيث عدد راويه أى أقل عدد روى المستفيض اثنان»

حاشیة العطار علی جمع الجوامع، اسم المؤلف: حسن العطار، دار النشر: دار الکتب العلمیة - لبنان / بیروت - ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹م، الطبعة: الأولى، ج ۲، ص ۱۵۷، باب والقول الأول يجب حصول العلم

همچنین آقای «قاسمی» در کتاب «قواعد التحديث» می گوید:

«المستفيض: هو المشهور، على رأى جماعة من أئمة الفقهاء»

قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث، اسم المؤلف: محمد جمال الدين القاسمی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۳۹۹هـ - ۱۹۷۹م، الطبعة: الأولى، ج ۱، ص ۱۲۴، باب التاسع

همچنین «ابن قدامه مقدسی» می گوید:

«لأنَّ الاستِفاضة أقوى مِنْ حَبْرِ التُّقَّةِ»

المغنى لابن قدامة، المؤلف: أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعلي
المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي، (المتوفى: ٦٢٠ هـ)، الناشر: مكتبة
القاهرة، الطبعة: بدون طبعة، ج ٨، ص ٧٣، فَضْلُ الْقَدْفِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْرِبِ

از طرفی ثابت شد که روایت مستفیض است و از طرف دیگر هم خبر مستفیض «أَقْوَى مِنْ خَبْرِ الثَّقَةِ» است. به
علاوه تعدد طرق هم دارد که در این مورد هم «ابن تیمیه» می‌گوید:

«فَإِنَّ تَعَدُّدَ الطَّرِيقِ وَكَثْرَتَهَا يَقْوَى بِعُضَا حَتَّى قَدْ يَحْضُلُ الْعِلْمُ بِهَا وَلَوْ كَانَ النَّاقِلُونَ فُجَارًا فَسَاقًا»

مجموع الفتاوى، المؤلف: تقى الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني (المتوفى: ٧٢٨
هـ)، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف،
المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية، عام النشر: ١٤١٦ هـ/١٩٩٥ م، ج ١٨، ص ٢٦

بنابراین ثابت شد که حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) «ماتت و هی غاضبه علی أبی بکر و
علی عمر و لم یثبت بأنهما أرضی فاطمة (سلام الله علیها).

نکته دیگر وصیت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به دفن شبانه است. مشاهده کنید در کتاب «صحیح
بخاری» هم وارد شده است:

«فلما تُوفِّيَتْ دَفَنَهَا زَوْجَهَا عَلِيًّا لَيْلًا وَلَمْ يُؤْذِنْ بِهَا أَبَا بَكْرٍ وَصَلَّى عَلَيْهَا»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار
ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٤، ص
٣٩٩٨، ح ١٥٤٩

این روایت به روشنی ادعای اینکه ابوبکر آمد و در نماز حضرت زهرا حضور داشت را رد می کند! همچنین این روایت دفن شبانه، در کتاب «صحیح مسلم» ج ۵، ص ۱۵۴؛ حدیث ۴۴۷۰ وارد شده است.

«ابن قتیبہ دینوری» هم می گوید:

«وأوصت أن تدفن ليلا لئلا يحضرها»

تأويل مختلف الحديث، اسم المؤلف: عبدالله بن مسلم بن قتيبة أبو محمد الدينوري، دار النشر: دار الجيل - بيروت - ۱۳۹۳ - ۱۹۷۲، تحقيق: محمد زهري النجار، ج ۱، ص ۳۰۰، باب قالوا حديث يكذبه النظر

همچنین «عبدالرزاق صنعانی» که «ابن معین» در مورد او می گوید:

«لو ارتد عبد الرزاق ما تركنا حديثه»

تذكرة الحفاظ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ج ۳، ص ۹۳۰، ح ۸۸۴

می گوید:

«أن فاطمة بنت النبي دفنت بالليل قال فر بها على من أبي بكر أن يصلى عليها كان بينهما شيء»

علی بن ابی طالب دختر رسول الله را شبانه دفن کرد تا ابوبکر بر او نماز نخواند، زیرا میان آنها اختلاف و درگیری بوده است.

«قال اوصته بذلك»

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت - ۱۴۰۳، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج ۳، ص ۵۲۱، ح ۶۵۵۴

تمام این قضایا دست به دست هم می‌دهد تا قضیه غضب حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) تا آخرین لحظه نسبت به این دو نفر باقی باشد.

هیچ دلیلی بر اینکه این دو نفر از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) رضایت گرفته باشند هم وجود ندارد. و ادله‌ای که آوردند علاوه بر اینکه دلیلشان دلیل ناقصی است، این مطالبی که وجود دارد مثل صحت و صراحت روایت «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم»؛ نفرین حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) بر آن‌ها؛ وصیت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بر دفن شبانه به خاطر عدم حضور ابوبکر و عمر؛ این ادعای کسب رضایت را نقض می‌کند.

جالب این است که «ابن کثیر دمشقی» می‌گوید:

«وهذا إسناد جيد قوي، والظاهر أن عامر الشعبي سمعه من علي، أو ممن سمعه من علي»

سند این روایت قوی است، ظاهراً عامر شعبی این روایت را از علی شنیده است و یا با یک واسطه از ایشان شنیده است.

السيرة النبوية لابن كثير، اسم المؤلف: أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي الدمشقي (المتوفى:

٧٧٤ هـ)، ج ٤، ص ٥٧٥، ح ١

آقای «ابن کثیر دمشقی»! اگر تنها کمی عقل خود را به کار می‌انداختی، می‌فهمیدی که اگر «عامر شعبی» از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شنیده بود اسم امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را می‌آورد. یا اگر او از یکی از نزدیکان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شنیده بود، اسم او را می‌آورد، زیرا نقل یک قضیه به صورت مستند بر آن روایت اعتبار می‌بخشد.

اینکه «عامر شعبی» اسمی به میان نیاورده است، به جهت این است که این روایت را از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و اطرافیان ایشان نشنیده است!!

ولی جناب «ابن کثیر دمشقی» متوفای ۷۷۴ هجری بعد از ۸۰۰ سال رمی به غیب می‌کند، الا اینکه این مسئله وحی شیاطینی باشد که به شما وحی شده است که بله این شخص روایت را از علی شنیده، یا «ممن سمعه من علی».

آیا شما نسبت به بعضی روایاتی که به صورت مرسل در فضایل اهل بیت آمده است، چنین تعبیر را در آنجا دارید یا در آنجا به صراحت می‌گویید: روایت مرسل است و فاقد اعتبار است!؟

پرسش:

راجع به رضایت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ظاهراً منظور اصلی؛ غضب خلافت بوده است!؟

پاسخ:

ما اصلاً کاری به قضیه خلافت نداریم. حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) در آن خطبه غراء خود، همه چیز را بیان کرده است.

آن بزرگوار هم بحث خلافت را مطرح کرده است، بحث حدیث غدیر را مطرح کرد، بحث حدیث منزلت را مطرح کرد. همچنین آن بزرگوار به منازل انصار رفت و از آن‌ها دعوت کرد تا برای حمایت از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) جلو بیایند.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) تمام این مسائل را مطرح کرد، اما آنچه موجب غضب حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) شد، این بود که خودشان نزد ابوبکر آمدند و فرمودند: فدک هدیه پیغمبر اکرم است.

همچنین حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و «عباس» عموی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را فرستادند و مرتبه بعدی خودشان به همراه عباس آمدند ولی آن‌ها مطالبه شاهد کردند.

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بر این ماجرا شهادت داد، اما خلیفه اول و دوم شهادت آن بزرگوار را قبول نکردند و گفتند: او شوهر توست.

مرتبه بعدی امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) شهادت دادند، اما آن‌ها گفتند: شهادت فرزندان تو در این مسئله مورد قبول نیست. پس از آن‌ها «أم ایمن» شهادت داد، اما آن‌ها گفتند: او زن است و شهادت زن مورد قبول نیست.

همچنین غلام رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) شهادت داد، اما خلفا شهادت او را هم قبول نکردند و ادعا کردند که او در آن جلسه حضور نداشته است.

خلفا به بهانه‌های مختلف بینه را رد کردند؛ حال آنکه «جابر بن عبدالله انصاری» نزد ابوبکر آمد و گفت: پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرموده بود که اگر خمس بحرین بیاید، به تو ۵۰۰ درهم خواهم داد.

ابوبکر در جواب ادعای او بلافاصله ۵۰۰ درهم به او داد و ۱۰۰۰ درهم دیگر به جهت مبارکی و میمنت وعده پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به او داد.

ولی وقتی حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) فدک را از ابوبکر مطالبه می‌کند، ابوبکر از آن بزرگوار طلب بینه می‌کند و زمانی هم که بینه می‌آورد، بینه ایشان را رد می‌کند.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در مرتبه بعد فدک را از طریق ارث مطالبه می‌کنند ولی آنها نسبت به ارث هم آن حدیث جعلی را می‌خوانند.

حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) به آیات قرآن کریم استناد می‌کند، اما ابوبکر و عمر هیچ جوابی نداشتند بدهند؛ لذا حضرت زهرا از مبارزه اثباتی به مبارزه منفی روی می‌آورد. و از آنها غضبناک می‌شود و با آنها قهر می‌کند!! کار به جایی می‌رسد که عایشه برای عیادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می‌آید، اما آن بزرگوار در خانه را به روی عایشه نمی‌گشاید!!

عایشه بعد از این ماجرا نزد ابوبکر رفت و گفت: من در خانه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) رفتم، اما «اسماء بنت عمیس» جلوی در آمد و نگذاشت من داخل شوم. ابوبکر به «اسماء بنت عمیس» گفت: چرا نگذاشتی دختر من به عیادت حضرت فاطمه زهرا بیاید؟! «اسماء» می‌گوید: حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) گفته بود اجازه ندهم عایشه داخل شود. ابوبکر هم در جواب گفت: اگر حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) گفته است، مانعی ندارد.

یعنی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) حتی به عایشه اجازه عیادت ندادند. حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) وصیت می‌کنند که ایشان را شبانه دفن کنند و همچنین وصیت می‌کنند که ابوبکر و عمر در تشییع جنازه آن بزرگوار حاضر نشوند. این مسائل خود گواه این است که خلفا حق مسلم حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را غصب کردند.

یکی از ویژگی‌های حاکم اسلامی رفع ظلم از شهروندان و همچنین اقامه عدل در جامعه است. زمانی که یک حاکم اسلامی نسبت به دختر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین ظلمی را روا بدارد، این حاکم، صلاحیت حاکمیت جامعه اسلامی را ندارد.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می‌خواهد با تمام این قضایا این مسئله را ثابت کند و از این بُعد وارد شود.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته